



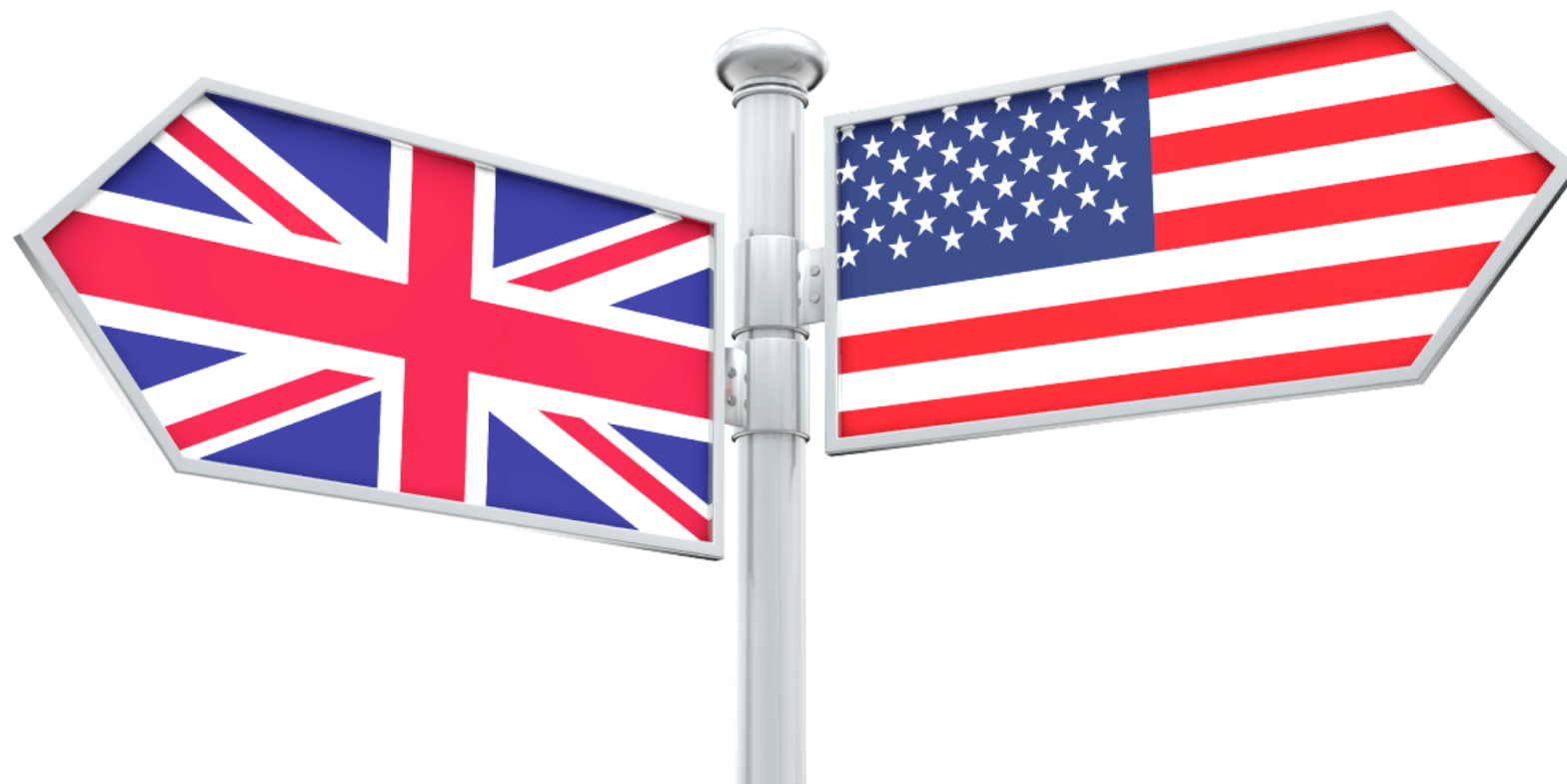
دانشکده مطالعات جهان

سامان سیاسی در جوامع در حال دگرگونی

(ساموئل هانتینگتون)

جلسه سوم

سامان کریمی



الگوهای نوسازی آمریکا در برابر اروپا

قانون: امر داده شده یا برساخت شده؟

داده شده: سنت و وحی (دگرگونی ناپذیر)

برساخت شده: قانون متکی بر انسان (دگرگونی پذیر)

آمریکاییان

بخشی از جهان انگلیسی زبان که علیه آیین ماکمیت دولت شورش کرده و به گونه ای نه چندان موفق کوشیده اند که رویکرد نخستین مهاجران را از آن زمان نگاه دارند.

ارزش های سنتی آمریکایی برای مقابله با پارلمان نوین بریتانیا

برابری طبیعی انسان ها
در نظر گرفتن مالیات به عنوان اعانه
قوانین طبیعی و الهی

در بریتانیای سده ۱۶ هم شاه و هم پارلمان کارکردهای نمایندگی داشتند.

شاه: سرنماینده اجتماع یکپارچه قلمرو سلطنتی
پارلمان: کارکردهای سنتی و قرون وسطایی نمایندگی اجتماعات
محلّی و مصالح ویژه

نماینده: نمایندگی محلّی و اقامت در محل

آمریکا:

امیای نظام نمایندگی مستعمراتی عرف های سنتی
این نظام ها در قانون اساسی ۱۷۸۷ در سطح ملی پایدار شدند

نظام دوگانه مانند بریتانیای تئودوری:

(ریس جمهور < شاه تئودور (نماینده مصالح کل اجتماع)

نماینده های مجالس قانونگذاری: وفادار به موزه های انتخاباتی

تمایز ساختار میان آمریکا و بریتانیا

قرون ۱۷ و ۱۸: حکومت بریتانیا:

تمرکز قدرت

تمایز کارکرد (تفکیک قوا)



آمریکا: حاکمیت تقسیم شده
و قدرت های از هم جدا
بر خلاف اصل تفکیک قوا

قدرت: تقسیم قانونگذاری و
کارکردهای دیگر
+ پراکندگی در میان نهادهای
گوناگون

حکومت مبتنی بر نهادهای
جداگانه سهیم در قدرت ها
(کارکردها)

آمریکا: دواہ تقسیم قدرت

اروپا: تحول تمایز کارکردها و تمرکز قدرت

پیامد تقسیم قدرت ناکارآمدی حکومت است
چرا آمریکا کارکرد خوبی دارد؟

سازگاریمی

آمریکا: استواری بر اصل اقتدارهای ماکم متعدد
امید به جبران کاستی قدرت ها و گوناگونی اقتدارها

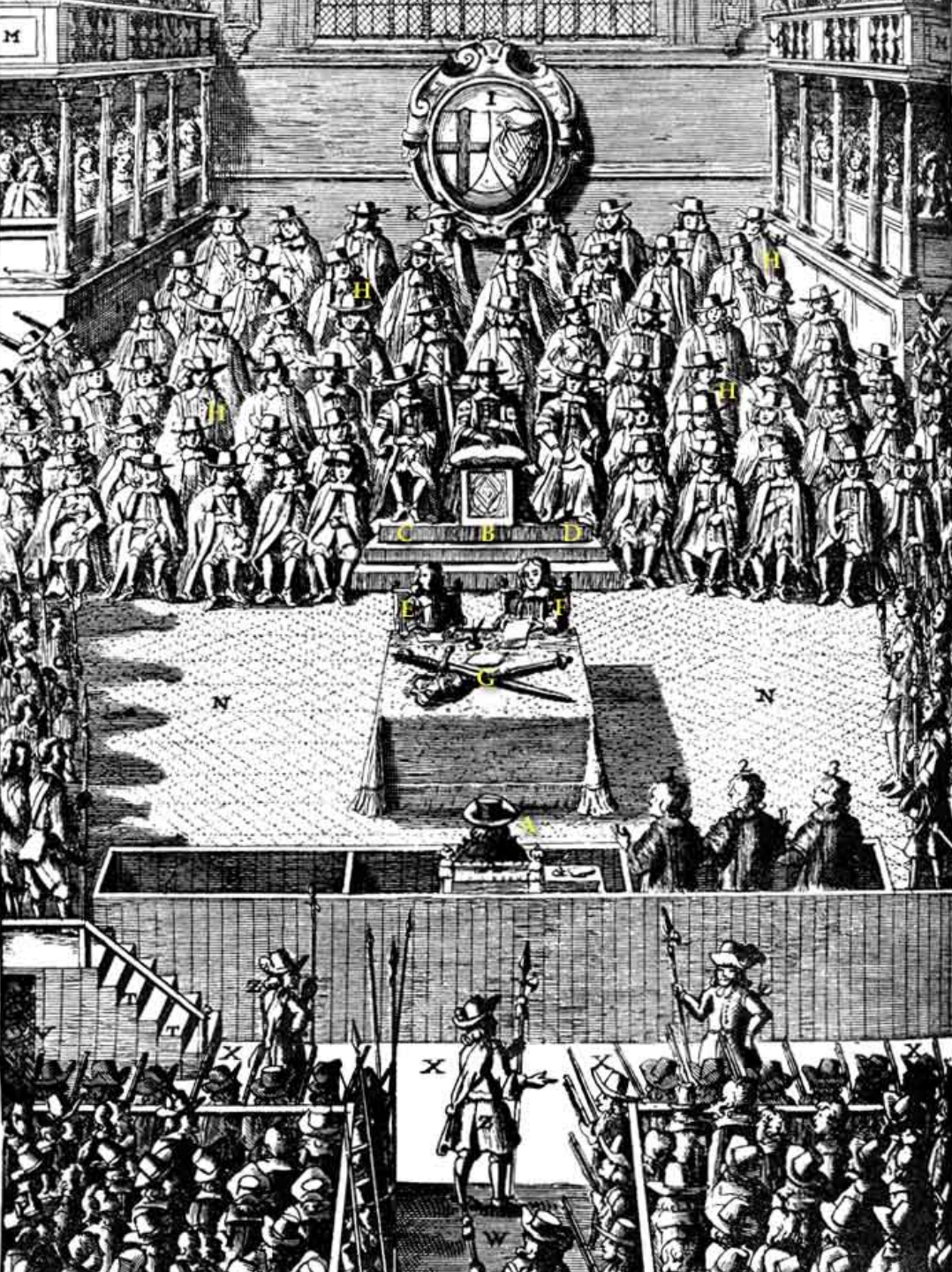
پولارد:

تقسیم قدرت

کارآیی چشمگیر آمریکایی ها در فعالیت های خصوصی

ناکارآیی در حکومت

مرور زمان تمرکز قدرت را به وجود خواهد آورد



تا آغاز سده هفدهم

پارلمان بیشتر یک دادگاه قلمداد
می شد تا یک مجلس قانونگذار

اقتدار: لازمه حکومت

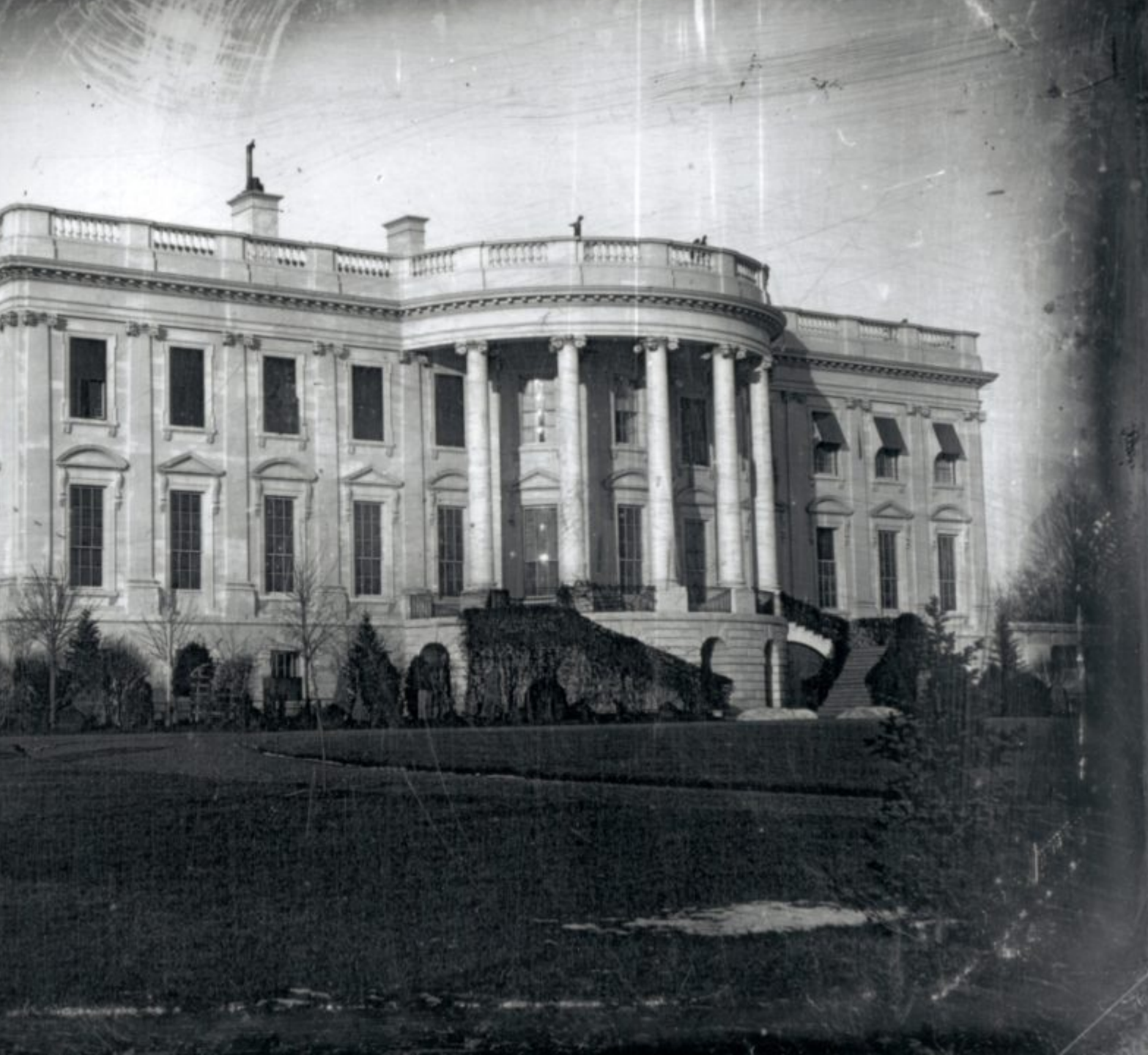
در نظام سنتی (تئودوری):
بخش های اعلیٰ حضرتی و کارآمد

مشروطه: تمایز کارکردی: واگذاری هر کارکرد به یک نهاد
جداگانه

نظام آمریکایی: مانند نظام های کهن اروپایی

کارکردهای اعلیٰ حضرتی و کارآمد به نهادهای جداگانه واگذار نمی
شوند.

نهادهای عمده حکومت آمریکا (ریاست جمهوری، دیوان عالی، مجلس نمایندگان، سنا
و المثنی های ایالتی آنها) هر دو کارکرد را به درجات گوناگونی ترکیب می
کنند.



رئیس جمهور در آمریکا
هم ریس حزب است
هم صدر حکومت است
هم صدر دولت است.

منشأ قدرت و محدودیت <
تعارض نقش ها

سیاست ماکه بر کاخ سفید
نوعی سیاست درباری است.

سلطنت و حکومت

ریاست جمهوری: تنها بازمانده سلطنت سنتی

آمریکای امروز هنوز یک شاه دارد اما
بریتانیا تنها یک تاج دارد.

در آمریکا، کارکرد قانونگذاری در میان سه نهاد و شاخه های گوناگون آنها تقسیم شده است

در اواخر قرون وسطی این کارکرد میان طبقه سنتی و هیات حکومتی های دیگر پراکنده بود (اشراف، دربار، سپاهیان، دولتمردان)



دو کارویژه متناقض سخنگوی مجلس:

اداره کننده امور شاه در مجلس
سخنگوی مجلس در برابر شاه و مدافع حقوق و مزایای آن

تقسیم قانونگذاری میان سنا و مجلس نمایندگان: فصلت تئودوری

در انگلستان عصر الیزابت، روابط میان شاه و پارلمان به روابط
رئیس جمهور و کنگره شبیه است تا به روابط امروزه انگلستان

واژگان:

مدیریت Administration – ایالات متحده

حکومت Government – بریتانیا

دگرگونی شدید در نقش کابینه بریتانیا

ارتش متحد و ثابت نیروهای نظامی اروپا در سده ۱۶:

خدمات نظامی فئودالی، مزدوران و قوای شبه نظامی.
شبه نظامیان باستانی انگلستان زیر نظر فئودال ها

در ۱۶۰۰ تنها عثمانی ارتش ثابت داشت.
ارتش ثابت پروس: ۱۶۵۵
ارتش انگلستان: ۱۶۶۰

ارتش های پراکنده و شبه
نظامی در آمریکا ادامه یافت

عدم تمرکز قدرت

ارتش ثابت در آمریکا:
نماد بیدادگری

نوین شدگی اروپایی



آمریکا: اولین در گسترش اشتراک سیاسی
آخرین در نوسازی ساختارهای سیاسی سنتی

جنگ در سده ۱۶ اروپا (۹۷ سال)

جنگ < تسریع جریان نوسازی
رقابت پادشاهان < پایه گذاری ارتش های ثابت

تهدیدهای آمریکایی: بومیان سرخپوست و نیروهای پراکنده

دلیل کارآمدی و توفیق قانون اساسی آمریکا:

فقدان تقسیمات مهم اجتماعی در آمریکا
نهادهای عجیب بازبینی قضایی
جوامع تقسیم شده می بایست دارای قدرت واحد مرکزی
باشند.

(اقتدار عقلانی و متمرکز قدرت)

آمریکا:
فقدان اشرافیت
نهادهای فتوئدالی
فقدان مخالفت اجتماعی با دیگرگونی

Minor German States
Holy Roman Empire
Mo - Modena
Ma - Mantua
Pa - Parma

دموکراتیزاسیون: انتقال قدرت از سلطان فرمانروا به مجمع

ملی

انگلستان: سده ۱۷

فرانسه: سده ۱۸

آلمان: سده ۱۹

بیشترین دشواری در نگهداشت دموکراسی در سده ۲۰.

Checks and balances

آمریکا

یک مجلس دموکراتیک < دموکراتیزاسیون تدریجی قهری

در آمریکا: دموکراتیزاسیون توسط حکومت اتفاق افتاده است.

گسترش اشتراک مردمی در ایالات متحده:
گسترش اصل انتخابی به همه فرمانداران ایالتی
هر دو مجلس قانونگذار ایالتی
شوراهای اجرایی دولتی
ارکان قضایی

اروپا: گسترش رای گیری از بعضی مردم به همه مردم

نوگرایی در آمریکا دچار مقاومت اجتماعی نیست

انقلاب آمریکا: جنگ استقلال مستعمره نشینان علیه کشور اصلی
شان

نه انقلاب اجتماعی مانند فرانسه، روسیه، چین، مکزیک و کوبا

نه جنگ استقلال بومیان علیه فاتحان مانند اندونزی علیه هلند یا ویتنام و
الجزایر علیه فرانسه

ایالات متحده: نخستین ملت نوین.
جامعه ای نوین و دولتی سنتی

بر خلاف اروپا

همدلی کشورهای در حال گذار با آمریکا
بی انقلابی برای آزادی و برابری

تقلید:

کشورهای آمریکای لاتین < نظام فئودالی به ارث رسیده
حکومت های ضعیف فاقد اقتدار و قدرت لازم برای
نوسازی

آشفته تر و پراکنده

نوسازی توسط یک حزب: دموکراسی رخ نمی دهد.



نوسازی

نظام سیاسی:
اصلاح اجتماعی
و اقتصادی
با عمل دولتی

جذب نیروهای اجتماعی مولود نوسازی به داخل نظام
آگاهی اجتماعی نوین مولود نوسازی

پیشنهاد نوآوری های سازمانی
اقتباس

α تنوع سازمانی α پراکندگی قدرت

پراکندگی قدرت

قدرت در کشورهای که پیشتر به نوسازی روی آورده اند پراکنده تر بوده است.

بریتانیا، اروپای غربی و ایالات متحده

نوسازی نوآورانه α پراکندگی قدرت

نوسازی تبعی (متاخر تر): نوآوری کمتر و اقتباس بیشتر α قدرت متمرکز تر



نوسازی

تجدید اساسی توزیع قدرت در چارچوب نظامی سیاسی
در هم شکستن کانون های قدرت محلی، مذهبی، قومی و نهادهای سیاسی ملی

نوسازی آمرانه:

قبایل و دهکده های دارای قدرت متمرکز را آسان تر و سریعتر می توان نوسازی کرد.

جذب گروه های تازه: گسترش دامنه قدرت نظام سیاسی

نوسازی

آگاهی گروهی

تقاضای اشتراک در نظام سیاسی

جذب: آزمون نظام سیاسی

جذب گروه های تازه ساده تر است تا گروه های قدیمی

تطبيق پذیری گروهی + پذیرش نظام

نمونه: مجلس ششم، انجمن اسلامی دانشجویان

توانایی جذب گروه ها: گسترش دامنه نفوذ
توانایی تولید قدرت

نظام نوین: اشتراک سیاسی بیشتر < قدرت بیشتر

قدرت	کم	زیاد
متمرکز	امپراطوری دیوانسالار سلطنت مطلقه (قاجار)	دیکتاتوری توتالیتر (پهلوی اول)
پراکنده	فئودالیسم ساختارهای هرمی (اروپای نئودوری)	دموکراسی قانونی (اروپای امروز)

نگاه به قدرت:

آمریکایی: Zero-sum

سوسیالیستی/اروپایی: قدرت چیزی است که باید آن را بسنج کرد،
پروانید و سازمان داد.

مسائل مبتلابه یک نظام سنتی فئودالی برای نوسازی:

1. عدم تمرکز قدرت ضروری برای ایجاد دگرگونی در جامعه و اقتصاد سنتی
2. گسترش قدرت در نظام برای جذب گروه هایی که به تازگی وارد صحنه اشتراک سیاسی شده اند (آفرینش یک نظام نوین)

گهگاه: دیکتاتور مردم پسند، رهبر
فرهمنند، یک دسته نظامی

تولید و تمرکز قدرت

موقتی: پراکندگی قدرت در میان نیروهای
گوناگون اجتماعی دوباره جای آن را می
گیرد و بی علاقتی مردم به نظام سیاسی و
بیگانگی از آن باز رخ می نماید.



تمرکز و در نتیجه نوآوری پیشبرد و گسترش و ادغام گروهی

جذابیت نظام تک حزبی: هر دو را به پیش می برد

مکزیک، تونس، کره شمالی و جنوبی
شوروی، چین، آلمان نازی، اعراب، ایران

دو حزبی محدود: کلمبیا، ایران

شهریار و خدمتگزارانش: عثمانی، ایران (دیوانسالار)

شهریار و اشراف: اروپا (فتووالی)

نظام های دیوانسالار:

قدرت متمرکز، افذ مالیات، دستگاه نظامی سرکوب، اقتدار سلسله مراتبی و هرمی، تحرک اجتماعی زیاد مالکیت زمین از آن پادشاه است.

نظام های فئودالی:

قدرت پراکنده است.
مالکیت زمین متکثر است.
پادشاه مرجع مشروعیت و اقتدار است.
پیشمه قدرت اشراف مستقل است.

نقش شاه

در هر دو سیستم سنتی: سلطنت و حکومت

نقش شاه		ساختار سیاسی
منفعل	فعال	
کره ژاپن عصر میجی تایلند ایران مشروطه	امپراطوری روم اتیوپی چین ایران قاجار/پهلوی	دیوانسالار متمرکز
ژاپن عصر توکوگاوا	اروپای قرون وسطی	پراکنده فئودالی

نوع	سنتی		کارکرد اصلی شاه
پارلمانی	حاکم	الیگارشیکی	
سلطنت	حکومت و سلطنت	سلطنت	مرجع اصلی مشروعیت
مردم	سلطنت	سلطنت	
کابینه، احزاب و پارلمان	سلطنت، دیوانسالاری، ارتش و احزاب	ارتش و دیوانسالاری	مراجع عمده اقتدار کارآمد
گسترده	محدود تا متوسط	محدود	پهنه اشتراک سیاسی

نظام سنتی عثمانی:
پراکندگی قدرت میان سلطان، وزیر اعظم و
نظامیان، دیوانسالاران و روحانیان

ناکارآمدی دودمان:
جایگزینی یک دودمان دیگر
برچیده شدن کلی سلطنت

مساله اصلی در سیستم های سنتی سوق دادن دیوانسالاری
سنتی به سمت اصلاحات نوسازانه است.

نوسازی مقتدرانه:

همه قدرت هایی که از وراثت، سنت، عرف یا رضایت مردمی و محلی سرچشمه گرفته اند می بایست سرکوب شوند و قدرت سلطان تنها مرجع اقتدار باشد.

1. انتقال قدرت از گروه های محلی و اشرافی و مذهبی به نهادهای ملی و دنیوی مرکز
 2. تمرکز اقتدار در دست فرد واحد در درون این نهادها
- (انقلاب سفید)



دیوانسالاری سنتی: بلای جان نوسازی

بیشتر کشورهای سلطنتی نوسازی شده چندین شاه نوساز پی در پی داشته اند.

اصلاحات نظامی و اداری هم ابزار و هم محرک دگرگونی هاست.

نیروهای عمده در جامعه سنتی:
شاه، کلیسا، اشرافیت زمیندار، ارتش، دیوانسالاران

شاه نوساز: جلب نظامیان و دیوانسالاری بر ضد مراجع مذهبی و
زمینداران (انقلاب سفید)

مثال هایی از ممانعت های سنتی در مقابل نوسازی:

- شورش اشراف بلژیکی ضد اصلاحات نوسازانه ژوزف دوم
- آلکساندر دوم در روسیه ۱۸۵۰
- سلطان عبدالمجید عثمانی در ۱۸۳۹ (تنظیمات) - مخالفت نامیک کمال مونتسکیوی
- مشروطه ایران: رضاشاه و انقلاب سفید
- تناقض ذاتی: سلطنت خود نهادی سنتی است و اصلاح کارویژه اصلاح طلبانه

منابع حمایت شاه مصلح برای نوسازی

1. نظامیان و دیوانسالاران (دشمن اشرافیت)
2. طبقه متوسط (بورژوازی) ^{۲۳۸} (نوعاً دشمن شاه)
3. توده مردم (دور زدن شیوخ و دستگاه های اداری سنتی) – خطر از دست رفتن فرودستان (انقلاب سفید و انقلاب اسلامی)
4. کشور بیگانه

از توجه شما متشکره

sasankarimi.ir